

پژوهشنامه اندیشه معاصر

سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۷۵-۵۵

## تروریسم فرهنگی در مواجهه با ایران؛ راهبردها و رویکردها

مسعود بصیری<sup>۱</sup>، نادر اسدی<sup>۲</sup>، کیقباد حیدری<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۰

### چکیده

تروریسم فرهنگی یا تروریسم نوین تهاجمی است که از سوی یک نظام فرهنگی خاص به نظام فرهنگی دیگر که از طریق شیوه‌ها و ابزارهای خاص فرهنگی صورت می‌گیرد، گفته می‌شود. این نوع تروریسم به عنوان پدیده‌ای تقریباً جدید در جهان می‌باشد که به وسیله‌ی آن دولت‌های سلطه‌گر با استفاده از ابزارهای مختلف، قصد تحمیل فرهنگ خود را بر دیگر ملل دنیا دارند. امروزه مهمترین ابزار کشورهای سلطه‌گر برای تسلط بر دیگر کشورها به خصوص کشورهای که نسبت به هویت خود و بقای عناصر فرهنگی هویت خود، در برابر تهاجم‌های فرهنگی بیگانگان مقاومت از خود نشان می‌دهند، این نوع تروریسم نمود بیشتری دارد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک اندیشه و مدل سیاسی نوین، ضربه سنگینی بر استیلای جهان غرب وارد کرد. و غرب را به مقابله و جبران کشاند. زمانی که غرب به انواع شیوه‌های سخت از ترور فیزیکی مسئولان تا جنگ تمار عیار بر علیه کشور و محاصره‌ی اقتصادی در جهت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی طرفی نسبتند متوجه این نکته مهم و اساسی گردیدند که این قدرت، ریشه‌ای دیگر دارد و این نمونه با همه نمونه‌های دیگر متفاوت است. از این رو ضرورت دارد که برای مقابله با آن ابزاری دیگر بکار بست و روشی دیگر در پیش گرفت. به همین دلیل دشمن با تمرکز بر نابودی بنیان فرهنگی و هویتی در صدد محو قدرت فرهنگی بوده و می‌خواهد با تروریسم فرهنگی زمینه "تغییر رفتار" و در نهایت "فروپاشی از درون" را فراهم آورد. این پژوهش مترصد است پس از بازشناسی مفهوم تروریسم فرهنگی، دلایل تروریسم فرهنگی دشمن بر علیه ایران، ابزارها، شیوه‌ها و اهداف آن را مورد پردازش قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** جمهوری اسلامی ایران، تروریسم، تروریسم فرهنگی، تهاجم فرهنگی، جنگ نرم

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه کردستان

۲. سطح ۲ حوزوی فقه و حقوق حوزه علمیه قم

۳. کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور واحد اسلام آباد غرب

## مقدمه

بسیاری از صاحب نظران و نظریه پردازان علوم سیاسی و روابط بین الملل، تهدیدات قرن بیست و یکم را تهدیدات نرم و یا جهانی سازی فرهنگ می دانند، در دوران جنگ سرد و حتی پس از آن با تفاوت اندکی، کماکان سیاست نرم افزاری در پرتو سیاست واقع گرایی قرار داشت. حوادث ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در این زمینه محسوب می شود. در هیچ برهه‌ای از زمان، دولتمردان آمریکا تا این میزان بر مضامین ارزشی و اخلاقی به عنوان منابع نرم قدرت تأکید نداشته‌اند. حتی نخستین تجلی‌های سیاست‌های امنیتی آمریکا بعد از این تاریخ که از ماهیت سخت افزاری و راهبردی برخوردار بودند، آموزه‌های ارزشی محور را دست مایه عملی قرار دادند. با وجود این با توجه به تجربه تاریخی، ملاحظات نرم افزار گرایانه در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا تحت تأثیر مؤلفه‌های راهبردی - امنیتی نظام بین المللی و منطقه‌ای به حاشیه رانده شده است. برای تبیین اهمیت و ابعاد تهدید نرم پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، می توان گزارش کمیته خطر جاری، راهبرد امنیت ملی آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ را مورد توجه قرار داد. بر این اساس راهکارهای دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی، به عنوان راهبردهای جنگ نرم در این دوره توسط این کمیته معرفی شد. در گزارش این کمیته - کمیته خطر جاری - آمده است که ایران به لحاظ وسعت سرزمین، کمیت و کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و هارتلند نظام بین الملل، به قدرتی بی بدیل تبدیل شده است. که دیگر نمی توان با یورش نظامی آن را سرنگون کرد. بنابراین تنها راه سرنگونی جمهوری اسلامی ایران پیگیری جنگ نرم با استفاده از سه تاکتیک دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی ممکن است.

دشمنان نظام جمهوری اسلامی پس از این که در جبهه سخت افزاری و با بهره گیری از توپ و تانک نتوانستند به اهداف شوم خود دست یابند و از طرفی روز به روز شاهد افزایش عمق استراتژیک قدرت نرم ایران در منطقه و حتی جهان بودند به سوی جنگ های نوین فرهنگی روی آوردند، زیرا فرهنگ ایرانی - اسلامی از دشمنان اصلی سیطره ی غرب است، پس دشمنان به فکر سیطره بر فرهنگ و آموزه های دینی افتادند از این رو به جنگ فرهنگی روی آوردند. بنابراین شناخت و اهداف دشمنان در جهت جنگ فرهنگی که در صدد تخریب بنیانهای فرهنگی و مولفه های آن، بیش از پیش ضرورت دارد. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد شناخت مفهوم تروریسم فرهنگی، دلایل تروریسم فرهنگی دشمن بر علیه ایران، ابزارها، شیوه ها و اهداف می باشد.

## ۱. مفهوم شناسی

## الف) فرهنگ

واژه شناسان در کتاب‌های لغت، واژه «فرهنگ» یا «فرهنگ» را به ادب، تربیت، دانش و معرفت، حکمت و فضیلت، آداب و رسوم، سیرت و سنت و مجموعه‌ی علوم و معارف و هنرهای یک قوم و ملت معنا کرده‌اند. فرهنگ یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی است و بیش از دویست تعریف درباره‌ی آن وجود دارد. ادوارد برنت تایلور در سال ۱۸۷۱ م از فرهنگ تعریفی ارائه کرده است که تا امروز هم همچنان معتبر است. وی در تعریف فرهنگ گفت: «فرهنگ کلیت در هم بافته‌ای است شامل دانش، دین، قانون، اخلاقیات، آداب، رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد» (آشوری، ۱۳۸۱: ۴۷).

فرهنگ، میراث گران بها و حاصل هزاران سال تلاش فکری، هنری، صنعتی نسل‌های گذشته یک ملت است. «فرهنگ» هر کشور بیانگر شخصیت و هویت ملی آن کشور است، هر نسلی اندوخته‌های فرهنگی و تجارب زندگی خویش را با شیوه‌های گوناگون به نسل بعدی منتقل می‌سازد. نسل بعد نیز اندوخته‌های خود را بر آن می‌افزاید و آن را به نسل بعد از خویش انتقال می‌دهد. این جریان همواره در طول تاریخ ادامه داشته است؛ همان گونه که شخصیت یک فرد، حاصل تجربیات فردی اوست و موجب امتیازش از دیگر افراد می‌شود فرهنگ یک جامعه نیز حاصل هزاران سال تجربه تلخ شیرین آن ملت و جامعه است و این فرهنگ جامعه است که هویت آن را شکل داده و آن را از جوامع و ملل دیگر متمایز می‌سازد. این فرهنگ و فضای فرهنگی چونان فضای اطراف، ما را احاطه کرده و در تمام صحنه‌های زندگی فردی و اجتماعی خود، آن را لمس کرده و از آن تأثیر می‌پذیریم. به طور کلی می‌توان گفت که فرهنگ مجموعه‌ای از آگاهی‌ها (شناخت‌ها) و رفتارهای فنی، اقتصادی، آیینی (شعائر مذهبی، اجتماعی) و غیره است که جامعه‌ی انسانی معینی را مشخص می‌کند (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۰۳).

### ب) تهاجم فرهنگی

واژه‌ی «تهاجم» از سنخ مشارکت‌طرفینی است؛ ولی در کاربرد رایج، به معنای هجوم یک طرفه آمده است. در واقعیت نیز فرهنگ مهاجم، فرهنگی سلطه‌جوست که با اهدافی ویژه در جهت بسط سیطره‌ی خود، برنامه‌ریزی و تلاش می‌کند. گویا معنای تهاجم، با نوعی غافلگیری و تحمیل همراه است؛ به همین دلیل واژه‌ی «تهاجم» در ترکیب «تهاجم فرهنگی» بار منفی دارد؛ زیرا دشمن مهاجم قصد نابودی باورها، ارزش‌های معتبر و متعالی، و هنجارهای پذیرفته‌ی جامعه را دارد (مهاجرنیا، ۱۳۸۸: ۳۲). تهاجم فرهنگی حرکتی است مرموزانه، حساب شده، با برنامه‌ریزی دقیق که با استفاده از شیوه‌ها و ابزار و امکانات متعدد و متنوع برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزشها، انحراف اندیشه‌ها، تغییر و تبدیل آداب و سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر یک جامعه انجام می‌گیرد.

در تعریف پدیده‌ی «تهاجم فرهنگی» نظر رهبر انقلاب اسلامی قابل توجه است. از نظر ایشان در «تهاجم فرهنگی» یک مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی، برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت

هجوم می‌برد در این هجوم، باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند (سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳: ۳).

### ج) تروریسم فرهنگی

تروریسم دارای ابعاد گسترده و مصادیق متعددی شامل تروریسم دولتی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و ... باشد. آنچه در این مقاله در حوزه تروریسم نوین به آن خواهیم پرداخت، تروریسم فرهنگی می‌باشد. تروریسم فرهنگی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که توسط دشمنان در جهت دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول نظام سیاسی است، انجام می‌گیرد (نائینی، ۱۳۸۷: ۳۸). تروریسم فرهنگی پدیده‌ای نوظهور در جهان و یکی از ابعاد تروریسم دولتی می‌باشد. به این معنا که دولتی با استفاده از ابزارهای مختلف، قصد تحمیل یک فرهنگ بی‌اصالت، را به دنیا داشته باشد. در واقع در این نوع تروریسم یک گروه تلاش می‌کند تا بقای خود را به بهای نابود کردن آثار فرهنگی دیگر تمدنها تضمین نماید. تکنولوژی هر چند در مبارزه علیه برخی اشکال سنتی تروریسم کمک‌های فراوانی کرده است اما خود به عامل بروز شیوه‌های نوین تروریسم تبدیل شده که یکی از این شیوه‌ها، تروریسم فرهنگی است. این نوع تروریسم حاصل پیشرفت‌ها و نوآوری‌هایی است که در عرصه رسانه‌های ارتباطی (مانند ظهور اینترنت و نسل جدید ماهواره‌ها) رخداده است؛ کشورهای مستکبر در این روش که می‌توان گفت شکل نوینی از سیطره جویی است دیگر اثری از موانع جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی در مقابل رشد و گسترش و نفوذ خود در ملل مختلف نمی‌بینند. در این نوع از تروریسم به نظر می‌رسد کانون‌های قدرتمند جهانی که دارای رسانه‌های بین‌المللی هستند و از آن‌ها به عنوان قدرتهای سلطه‌گر نام برده می‌شود، به همراهی سازمان‌های اطلاعاتی غربی برای فروپاشی یک فرهنگ و یا براندازی یک نظام سیاسی و یا تحمیل طرح‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود بر جوامع هدف، عملیات روانی، فرهنگی و تبلیغاتی معینی را اجرا می‌کنند. در این نوع از تروریسم لزوماً جان انسان‌ها در خطر نیست اما فرهنگ و تاریخ آن‌ها مورد تهاجم و ترور قرار می‌گیرد (آنتونی؛ ۱۳۸۳: ۹).

در قرن حاضر با افزایش سرعت انتقال اطلاعات و گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات و با ظهور ماهواره، اینترنت و کامپیوتر و امکان ارسال مستقیم پیام و ارتباط با مخاطبان که به شکسته شدن قرنطینه‌های سیاسی، تبلیغاتی، فرهنگی و اطلاعاتی حکومت‌های بومی انجامید، ذهنیت‌سازی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جنگ روانی، تبلیغاتی و فرهنگی، اهمیت بسیار یافته است که به هیچ روی، قابل قیاس با گذشته نیست. «چارلز لیندبلاد» معتقد است در آستانه قرن بیست و یکم استفاده از زور و روشهای جبری آشکار به تدریج کم رنگ شده، ولی از سوی دیگر، گسترش انواع رسانه‌های همگانی و حضور آنها در عرصه‌های مختلف زندگی، اقناع را به بهترین و مؤثرترین ابزار برای حل مناسبات میان حاکمان و مردم و نیز آحاد مختلف مردم تبدیل کرده است (احراری، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۰۸).

جنگ روانی، تبلیغاتی و فرهنگی در مقایسه با جنگ نظامی و اقتصادی، از هزینه کمتر و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است. توسعه تکنولوژی و رشد فناوری شرایطی را بر جهان حاکم ساخته که جهانی سازی اقتصاد، استحاله سیاسی، فرهنگی، همراه با جنگ روانی و تبلیغاتی، محور اصلی استراتژی استعمارگران فرانو است. جنگ روانی - تبلیغاتی به معنای تلاش هدفمند و برنامه ریزی شده برای تخریب یا تضعیف روحیه و قدرت مقاومت یک ملت است و هدف آن تحمیل اراده و تأثیرگذاری بر افکار، عقاید، عواطف، مواضع و رفتار ملت‌هاست. بنابراین تروریسم فرهنگی، امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم هزینه ترین و در عین حال خطرناک ترین و پیچیده ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می توان با کمترین هزینه با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت های فیزیکی به هدف رسید؛ زیرا با عواطف، احساسات، فکر و اندیشه و باور و ارزش ها و آرمان های یک ملت و نظام سیاسی ارتباط دارد. ابعاد این نوع ترور، گسترده تر و مخرب تر است زیرا دین، فکر و آرمان ملت ها را آماج تهاجم خود قرار داده و به روحیه، به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می کند، عزم و اراده ملت را از بین می برد، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست های نظام را تضعیف می کند. فروپاشی روانی یک ملت می تواند مقدمه ای برای فروپاشی سیاسی - امنیتی و ساختارهای آن باشد. جوزف نای قدرت نرم را شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می داند. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب چهره دوم قدرت است. بر این پایه یک کشور می تواند به مقاصد مورد نظر خود در سیاست جهانی نایل آید، چون کشورهای دیگر، ارزش های آن را می پذیرند، از آن تبعیت می کنند، تحت تأثیر پیشرفت و آزاداندیشی آن قرار می گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می شوند. در این مفهوم آنچه مهم تلقی می شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کند. بنابراین قدرت نرم، توانایی کسب آنچه که می خواهید از طریق جذب کردن، نه از طریق اجبار و یا پاداش می باشد (Nye, 2004: 5).

## ۲. فرهنگ و سیاست در عصر جدید

برخی از محققان حوزه فرهنگ بر این باور هستند که تأثیر فرهنگ و خلق و خوی اقوام و ملت ها و همچنین نحوه اثرگذاری بر فرهنگ ملی نه تنها بر سیاست خارجی و رفتارهای بین المللی بلکه بر نحوه جنگ و دفاع هم تأثیرگذار است (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۵-۲۹۸). این امر سبب شده است در نگاه ایجابی به امنیت ملی، فرهنگ، بنیاد امنیت و چپستی آن را تشکیل دهد. مفهوم فرهنگ در این نگاه، همان مفهوم فرهنگ و تمدنی است که در دیدگاه های امثال هانتینگتون، فوکویاما و آلون تافلر و ... در نظریه های فرهنگ و روابط بین الملل، آمده است. به عبارت دیگر رویکرد به امنیت در دهه های اخیر، نرم افزانه و با تأکید بر قدرت نرم است که فرهنگ برجسته ترین جلوه آن به شمار می رود. بنیاد مطالعات امنیت پژوهی اخیر، بر نظریه های جدید فرهنگی مبتنی است. بسیاری معتقدند که محیط واحدهای سیاسی در نظام بین الملل فرهنگی است و نظامهای اقتصادی، سیاسی و مسائل نظامی بر بنیادهای فرهنگی استوار است به همین جهت در حال حاضر غرب، با گفتمان فرهنگی به رویارویی با انقلاب اسلامی و جهان اسلام می پردازد (نائینی، ۱۳۸۹: ۱۷۸). قدرت در چهره جدید خود، ضرورت ندارد آشکار و محسوس باشد، چرا که با فرهنگ و اندیشه، درهم آمیخته و در

نظریه های جدیدی چون سازه انگاری، هژمونی فرهنگی، مکتب انتقالی و نظریه های پست مدرن، همگی از طرفداران جدی کاربرد فرهنگ در رفتار سیاسی هستند (ریاحی، ۱۳۹۰: ۲۵). پس محور اصلی در جنگ های فرهنگی، عنصر فرهنگ است و این فرهنگ است که بر سایر ابعاد و حوزه ها تأثیر می گذارد. امروزه هژمونی فرهنگی از اولویت های نظام سلطه به شمار می رود، به عبارت دیگر، جنگ نرم و گفتمان فرهنگی، راه میانبر ورود به عرصه های سیاست خارجی و دخالت در امور داخلی کشورها به شمار می رود که برای رسیدن به این هدف از ابزارهای پیشرفته رسانه ای و فرهنگ محور همانند (ماهواره، اینترنت، تلویزیون و...) استفاده می کنند (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۴۷). همین فرهنگ، بسان هر کالای گران بهای دیگر، همواره در معرض خطر و دستبرد راهزنان و شیادان قرار داشته است؛ به ویژه در قرن های اخیر که کشورهای قدرتمند و استعمارگر جهان، به دو دلیل عمده سعی در ترور و انهدام فرهنگ جوامع و ملل دیگر داشته اند:

### الف) دستیابی به اغراض سیاسی و اقتصادی

استعمارگران برای آن که سرنوشت یک ملت را به دست گرفته، از منابع عظیم مادی و معنوی آنان به نفع خویش بهره برداری کنند، در گام اول، تلاش می کنند تا موانع فرهنگی را که جدیترین مانع بر سر راه خویشاست را بردارند؛ بدین منظور، از ابزارها و شیوه های گوناگون، به ویژه برنامه های به ظاهر جذاب ماهواره ای، فرهنگ بومی را تضعیف و فرهنگ خویش را ترویج می کنند. بدین ترتیب، مردم کشورهای مورد تهاجم، از فرهنگ خویش فاصله گرفته، با آن بیگانه شده و به فرهنگ بیگانه و استعماری روی می آورند.

### ب) جهانی کردن فرهنگ غربی و آمریکایی

در سال های اخیر، برای سردمداران کشورهای سلطه گر، خود جهانی کردن فرهنگ غربی، اهمیت بسیار پیدا کرده است. این نظر علاوه بر استفاده از وسایل سیاسی، تبلیغاتی و صنعتی، با نظریه های شبه علمی نیز پشتیبانی می شود. مثلاً نظریه دهکده جهانی مک لو هان و امثال آن، با صراحت سعی بر آن دارد که زمینه را برای پذیرش فرهنگ غربی مساعد کرده و از حساسیت های که ممکن است مقابل آن ابراز شود، بکاهد. بنابراین در اثر این حمله فرهنگی دشمن، مردم را نخست دچار شک و تردید در مثبت بودن فرهنگ ملی و دینی خود شده و باورهایشان را نسبت به کارایی فرهنگ خویش از دست می دهند و سپس به تدریج آماده تمایل و جذب فرهنگ بیگانه دست کم جنبه هایی از آن می شوند و همه ی اینها حاصل برنامه های حساب شده دشمنان در راستای ترور فرهنگ ملل دیگر می باشد.

### ۳. روش های تروریسم فرهنگی

#### الف) نبرد فرهنگی

تبلیغات رسانه های در زمینه ترویج سکس و خشونت در برنامه های تلویزیونی و اینترنتی که منجر به بمباران خانواده ها از طریق ارائه نوعی فرهنگ مخدر و مسموم می شود و به ویژه کودکان را در معرض محیط های نامطلوب از جمله

موسیقی های ناهنجار و فیلمهای پرنوگرافیک قرار می دهد در زمره نمونه های جدید از تروریسم فرهنگی قلمداد می شود که ارزشهای خانوادهها را در معرض خطر جدی قرار داده است. اقدامات صنعت سینمایی هالیوود در راه اندازی جنگ نرم به عنوان سلاح تروریسم مدرن علیه فرهنگ های آسیب پذیر جهان سوم یا کشورهای در حال توسعه، نوعی تهاجم نرم است که اخلاقیات مردم به ویژه جوانان را هدف قرار داده است و علاوه بر آن از طریق تجارت سکس، کودکان بی گناه را هدف قرار داده است و بنیان خانواده را در معرض فروپاشی قرار داده است.

هدف این گونه تروریسم استفاده از صنعت تفریح برای کشاندن جوانان به مواد مخدر، شیطان پرستی، جنسیت گرایی، پورنوگرافی، فیلم های مستهجن جنسی و موسیقی های پاپ و راک است تا علاوه بر تخریب فرهنگی یا روانی آنان، افکار آنان را نیز نابود سازد که از آن به عنوان تروریسم فکری یاد می شود که خطرناکترین نوع تروریسم است. تلاش قدرتها برای استفاده از روش های آشکار و پنهان به منظور کسب منافع و در چارچوب برنامه جامع ثبات زدایی از کشورهای میزبان و مردم آنها از رهگذر سوء استفاده از جهالت و نیز نامیده می شود «تروریسم نوین» به معنای تروریسمی است که مردم را از فرهنگ و تمدن خود بیگانه می سازد و آنان را به اتخاذ سبک زندگی جوامع قدرتهای بزرگ وادار می سازد. آنان علاوه بر قراردادن جوانان کشورهای در حال توسعه در معرض خرده فرهنگ های کج رو از طریق نوار، ویدئو یا یک آهنگ جدید، سعی می کنند از صنعت فیلم و سینما پول کلانی به جیب بزنند و به نام مدرنیزاسیون، مرگ سنتها را رقم بزنند. لذا شایسته است پدران و مادران و سیاستگذاران و برنامه ریزان در برابر خطر این گونه تهاجم فرهنگی مبارزه جدی را سامان دهند تا خانهها و سرزمینهایشان از خطر این نوع تروریسم فرهنگی در امان بماند (دهشیری، ۱۳۹۰: ۳۴).

### ب) استحاله فرهنگی

هدف استعمار فرهنگی تحمیل فرهنگ الینه شده به جوامع جهان سوم یا جداکردن و بیگانه کردن مردم از فرهنگ بومی، واقعی و اصیل خود به منظور سوق دادن آنان به سوی شیوه زندگی جوامع استعمارگر است. قدرت های آمریکایی و اروپایی با به کارگیری این شیوه از خود بیگانه سازی و سوق دادن جوانان به سوی بی توجهی به میراث فرهنگی سنتی و به ویژه کشاندن جوانان به جذب خودکار ارزشهای وارداتی بدون اندیشیدن درباره محتوای آن، از رهگذر ترساندن آنان و انگ زدن بنیادگرایی و تروریسم به آنها، مردم آفریقا و آسیا را آماج حملات خود قرار دادهاند تا آنان را به استحاله فرهنگی از طریق ترویج اباحیگری و لاقیدی و بی بند و باری بکشاند و با تحقیر کردن آنان و زدن انگ وحشی و غیر متمدن، آنان را وادار به کپی کردن از فرهنگ غرب نمایند و در این رهگذر از سلاح های بنیادگرایی، دموکراسی، حقوق بشر و تروریسم حداکثر بهره برداری را می نمایند. ناتوی فرهنگی برای رسیدن به اهداف خود شیوه های پیچیده را برای فروپاشی اجتماعی و کسب هژمونی و استیلا بر کشورهای جهان سومی به کار می بندد تا ضمن تأثیرگذاری بر روحيات و روان مردم به ویژه جوانان کشورهای در حال توسعه و تحریک هوش هیجانی آنها به سوی رفتارهای واکنشی، به بهره کشی از این جوامع مبادرت ورزد. البته جهان اسلام که بر بنیادهای محکمی استوار است، بیش از همه آماج این نوع تروریسم فرهنگی است. قدرت های بزرگ به عنوان اباحیگری و نسبی گرایی تروریستهای نوین فرهنگی آزادند که



سلاحهای مخرب را تولید و توزیع کنند حتی اگر این سلاحها منجر به تخریب و انهدام روحیه و اخلاق و آلوده نمودن اذهان مردم گردد. از نظر آنان، هیچ موضوعی تابو نیست و هیچ فردی یا مرآمی مقدس نیست بلکه همه در معرض تهاجم رسانه‌ای قرار دارند. آنان به منظور کسب پول بیشتر از طریق فیلم، نوارهای صوتی و ویدئویی، موسیقی و تصاویر هیجانی و یا مستهجن سعی در مشوش کردن اذهان جوانان به منظور ایجاد سردرگمی و فضای ابهام آلود و تحمیل نظرات خود به آنان دارند. این قدرت‌های استیلاجو در عرصه فرهنگی اجتماعی، درصدد بیگانه کردن مردم کشورهای مسلمان از فرهنگ خود و تغییر در معیارهای زندگی و سبک زندگانی جوانان هستند که از آن به استعمار فرانو یا اندلسیزاسیون نیز تعبیر می‌شود. شخصیت‌سازیهایی کاذب از طریق استفاده از تشریفات برای تغییر اسطوره‌های جوانان کشورهای در حال توسعه اقدامی در این راستا قلمداد می‌شود. همچنین تلاش قدرتهای غربی برای تحمیل انقلاب‌های رنگی به جهان سوم به نام مدرنیزاسیون با هدف سوق دادن آنان به سوی لیبرالیسم سکولار و بهره‌گیری از روش‌های مسالمت‌آمیز برای واژگونی و سرنگون سازی نظام‌های سیاسی مخالف، برای آن است که ملت‌ها را از فرآیند هویت‌سازی بومی خارج سازند و به جای این که ملت‌های جهان سومی جنبش بازگشت به خویشتن و تحکیم هویت بومی را تجربه کنند آنان را با ترویج زرق و برق غربی به استحال از درون سوق دهند. از این روست که غرب درصدد است در برابر موج بیداری اسلامی که با هدف بازگشت به هویت اصیل بومی در حال رخ دادن است مسیر آن را منحرف سازد. البته در این میان، دولتهای ضعیف، خودکامه و سازشکار جهان سوم نیز در برابر این سلاح نرم به انفعال کشیده شده‌اند و تلاش می‌کنند تا خود را به عنوان افراد معتدل و روشنفکر مطرح سازند و حتی این کار را به بهای مقابله با مردم خود و کشتن آنان به مرحله انجام رسانند (دهشیری، ۱۳۹۰: ۳۵).

#### ۴. دلایل شکل‌گیری تروریسم فرهنگی بر علیه جمهوری اسلامی ایران

روند شیوه‌های دشمنی علیه انقلاب اسلامی نشانگر آن است که پس از پایان جنگ تحمیلی، شیوه‌های سخت‌افزاری جای خود را به شیوه‌های نرم‌افزاری و فرهنگی می‌دهد. این دگردیسی در روش‌ها از یکسو ناشی از افزایش شناخت دشمنان انقلاب اسلامی از مولفه‌های اساسی آن و از سوی دیگر ناشی از تأثیرگذاری فرهنگ به ویژه در عصر جهانی شدن است. دومین دلیل توجه به رویکرد فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، به تغییر شناخت دشمنان انقلاب اسلامی از مولفه‌های تشکیل‌دهنده این انقلاب باز می‌گردد. تحلیل تحولات یک دهه پس از آن حاکی است که تحلیلگران غربی و حتی شرقی، بر اساس گفتمان غالب جهانی، انقلاب اسلامی را پدیده‌ای عادی و مشابه دیگر تحولات جهانی می‌دانستند و از این رو، ماهیت آن را سخت‌افزاری می‌دانستند. به همین دلیل بود که سیاستگذاران خارجی و به خصوص آمریکایی‌ها بر اساس محاسبات سخت‌افزاری تا یک ماه قبل از انقلاب اسلامی پیش‌بینی چنین تحول عظیمی را نمی‌کردند؛ همچنان که جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا در خلال سفری که دی ماه ۱۳۵۶ به تهران داشت، ایران را جزیره‌ای امن و با ثبات خواند.



بر اساس چنین تفکری بود که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دنبال سرکوب انقلاب به شیوهی سخت افزاری بودند و بر این راهبرد خود نیز اصرار می ورزیدند. جنگ تحمیلی با چنین برداشتی بر انقلاب تحمیل شد، اما این جنگ و سایر شیوه‌های سخت افزاری نه تنها باعث شکست جمهوری اسلامی نشد بلکه آن را نیز تقویت کرد؛ این مسائل باعث بازنگری در شیوه مقابله با انقلاب اسلامی شد و به نظریه برخی از اندیشمندان غربی که پیش از سیاستمداران، انقلاب اسلامی را شناخته بودند، توجه شد. اندیشمندانی مانند میشل فوکو که پیش از هر اندیشمند دیگری غربی، ماهیت انقلاب اسلامی را شناخت و دانشمندی چون جیمز بیل که به ماهیت قدرت ایران در جنگ تحمیلی پی برد. فوکو به ظهور چهره نرم افزاری و در عین حال بسیار تأثیرگذار از قدرت در انقلاب ایران اشاره می‌کند و معتقد است شاه قدرتهای عادی و رسمی را حذف کرده بود، اما غافل از اینکه قدرت شبکه ای و پراکنده با این اقدام تقویت شده بو. فوکو صف آرایی دو تعریف و دو چهره از قدرت را به خوبی ترسیم می‌کند. آنجا که شاه را نماد قدرت عریان و خشونت محض می‌داند و در مقابل، اراده عمومی مردم و قدرت تجمیع شده آنان را جنبه نرم افزاری قدرت می‌داند و می‌نویسد: «آنچه در ایران مرا شگفت زده کرده، این است که مبارزه‌ای میان عناصر متفاوت وجود ندارد. آنچه به همه ی اینها زیبایی و در عین حال اهمیت می‌بخشد، که فقط یک رویاوی وجود دارد؛ رویاوی میان تمام مردم و قدرتی که با سلاحها و پلیس، مردم را تهدید می‌کند. لازم نیست خیلی دور برویم، این نکته را می‌توان بی‌درنگ یافت؛ در یک سو کل اراده‌ی مردم و در سوی دیگر مسلسل‌ها» (فوکو، ۱۳۷۷: ۵۸-۴۲). از آنجایی که اساس انقلاب اسلامی بر اساس مولفه‌های نرم قدرت بنیان نهاده شده است و برای مقابله با آن نیز دشمن به سراغ ضربه به همین مولفه‌هاست و درصدد است که که با تروریسم فرهنگی این جنبه مهم و مستحکم قدرت نظام جمهوری اسلامی را از او سلب نماید.

##### ۵. ابزارهای تروریسم فرهنگی

وسعت ابعاد و زمینه‌های تروریسم فرهنگی سبب می‌شود که دایره وسیعی از ابزار مدرن را در زمره ابزارهای این نوع تروریسم بگنجانیم. به علاوه که خصلت ابتکاری و ابداعی در این نوع از تروریسم سبب می‌شود این دایره هم‌چنان وسعت بیشتری یابد و ابزارهای جدید و ابداعی هم به این فهرست افزوده شوند. تروریست‌های فرهنگی از ابزارهای نرم و فرهنگ ساز همچون رادیو، تلویزیون، ماهواره، باز بیهای رایانه‌ای، ویدئو، خبرگزاری‌ها و غیره بهره می‌گیرند (ضیایی پرور، ۱۳۸۷: ۸۲-۱۳۹). در این زمینه می‌توان به ابزارهای فرهنگی بنیادهای کارنگی، فورد و راکفلر در سیاست خارجی آمریکا نیز اشاره کرد (برمن، ۱۳۶۶: ۱۸). این ابزارها را در یک تقسیم‌بندی می‌توان در سه عنوان گنجانند: «صنایع فرهنگی»، «رسانه‌ها»، «فناوری‌های نوین ارتباطی و تبلیغاتی» که همگی ارتباطی تنگاتنگ و پیچیده با هم دارند. امروزه فرهنگ غرب بر وسایل ارتباط جمعی در جهان تسلط دارد و از طریق خبرگزاری‌ها و شبکه‌های رادیو و تلویزیون و سینما علیه انقلاب اسلامی فعالیت می‌کند (افتخاری، ۱۳۷۷: ۱۹۰-۱۹۵).

##### الف) صنایع فرهنگی

## ۱. سینما

یکی از کالاهایی که جنبه ارتباطی دارد و باعث تحول و دگرگونی فرهنگی می‌شود فیلم است. در این عرصه هر کشوری که تولید فیلم بیشتری داشته باشد می‌تواند در اشاعه فرهنگ مورد نظر خودش بر دیگر کشورها چیرگی یابد (محمدی، ۱۳۷۷: ۴۴۶). جذابیت فراوان، سرگرم‌کنندگی، تصویرسازی، قدرت تأثیرگذاری و نیز قابلیت بالای تکثیر محصولات صنعت سینما، سبب شده است که دنیای غرب به عنوان مخترع و صاحب اولیه این صنعت، بیشترین استفاده را از آن در جهت تبلیغ و ترویج فرهنگ و ارزش‌های خود در جوامع دیگر ببرد و سهمی ویژه را در این راستا به این صنعت اختصاص دهد. تأسیس تشکیلاتی چون هالیوود از بزرگترین گام‌ها در این راستا است.

سینمای آمریکا (هالیوود)، به اقتضای دیگر مصنوعات سرمایه‌داری، بر پایه سکس و خشونت و ترس شکل گرفته است و ترویج‌کننده فرهنگ غربی و در موارد بسیار حاوی هجمه‌های صریح و غیرصریح به فرهنگ‌ها و نظام‌های ارزشی مخالف و مقابل غرب، از جمله ارزش‌های دینی می‌باشد. تروریسم فرهنگی آمریکا با ابزار سینمای هالیوودی در سه دهه پس از انقلاب، سعی در تخریب چهره جمهوری اسلامی ایران و تحریف فرهنگ و تاریخ انقلاب اسلامی دارد. ساخت مجموعه‌های مستند، فیلم‌های غیر واقعی از خشونت در ایران، نابرابری زنان و مردان و ... همچنین ارسال آنها برای میلیون‌ها بیننده یکی از گام‌هایی است که غرب با تحریف اذهان عمومی برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی به کار می‌گیرد. آنان در فیلم هایشان ایرانیان را عقب مانده، تروریست، وحشی و دشمن انسانها معرفی می‌کنند و به مخاطبانشان این گونه وانمود می‌کنند که می‌بایست از ایران هراس داشت.

ترور فرهنگی و رسانه‌ای هالیوود با ساخت فیلم‌های ضد ایرانی «بدون دخترم هرگز»، «سنگسار ثریا»، «خانه‌ای از شن و مه»، «اسکندر»، «۳۰۰»، «کشتی گیر»، «جاودانه‌ها»، «آرگو» صورت گرفته است. به عنوان مثال در فیلم «۳۰۰» سینمای آمریکا مستقیماً مبارزه فرهنگی خود را با تمدن ایرانی آغاز نمود. در این فیلم که ایرانیان مردمی وحشی و بدوی نشان داده شده‌اند، تاریخ چند هزار ساله تمدن ایرانی را تحت الشعاع خود قرار داده است.

## ۲. کارتون (انیمیشن)

در کنار سینما، صنعت انیمیشن سازی (پویانمایی) هم صنعت مستغلی است که هواداران بسیاری را خصوصاً در بین مخاطبان کودک و نوجوان به خود جذب کرده است. شخصیت‌های ساده و دوست داشتنی دنیای کارتون برای مخاطبان و دوستداران کودک و نوجوان‌شان به آسانی به عنوان الگو پذیرفته می‌شوند و کودکان سعی می‌کنند از رفتارها و برخوردهای آنان تقلید کنند. وجود همین قابلیت مهم است که سبب شده کارتونها در فرآیند هجوم نرم جهان غرب علیه دیگر فرهنگ‌ها و کشورها نقشی ویژه را به خود اختصاص دهند. این رویکرد را خصوصاً در نسل جدید کارتونها می‌توان دید. در برخی موارد دامنه بهره‌برداری از کارتونها به بیان مضامین سیاسی نیز کشیده می‌شود و شخصیت‌های محبوب کارتونها به نمایندگان و مبلغان فرهنگ و سبک زندگی و ارزش‌های جامعه غربی به سراسر جهان اعزام

می‌شوند. به عنوان مثال در مجموعه «باربی» روابط آزاد جنسی از همان دوران کودکی و نوجوانی تبلیغ می‌شود و قهرمان کارتون همواره با غیر همجنس خودش روابط آزاد دارد که به گونه‌ای سعی می‌کند قبح این کار را از بین ببرند.

### ۳. ماهواره

این وسیله یکی از مهمترین ابزارهایی است که در جهت تحول و دگرگونی فرهنگ سایر کشورها نقش ایفا می‌کند و در صدد اشاعه و گسترش فرهنگ مصرفی غربی است و در این راستا تلاش شبانه روزی برای همگونی و ادغام فرهنگی انجام می‌دهد، و هدف نهایی آن جذب فرهنگ سایر ملل در فرهنگ غربی است. در جمهوری اسلامی ایران نیز ماهواره ها در جهانی شدن و تأثیر بر فرهنگ نقش برجسته‌ای داشته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که علاقه مند به داشتن ماهواره هستند روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود (محمدی، ۱۳۷۷: ۲۸۴).

ماهواره امکانات بی‌نظیری را پیش روی صاحبان رسانه و دولت‌ها و قدرت‌ها گذاشته است که رسانه‌های پیشین در تأمین آن‌ها ناتوان بودند. شاید بتوان کار ویژه ماهواره در جنگ نرم را به جهت فضای آزاد و رها از چارچوب و قانونی که بر آن حاکم است انتشار برنامه‌ها و مطالبی دانست که مخالف و مغایر با ارزش‌ها و اصول کشور مورد هدف‌اند. در جهت ترور فرهنگی غرب بر علیه ایران و در رأس آنها آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای با ایجاد اتاقهای فکری صهیونیستی با حمایت مالی آن‌ها و کمک‌های فنی و سیاسی آمریکا، نبرد شدیدی برای تضعیف فرهنگ اسلامی - ایرانی آغاز کرده‌اند. تروریسم فرهنگی هم از طریق ماهواره‌های غیر فارسی زبان وهم ده‌ها شبکه اختصاصی ماهواره‌ای فارسی زبان، گروه وسیعی از نیروهای جامعه را هدف قرار داده‌اند. در این میان شبکه‌هایی چون «من و تو» با ترجمه فارسی برخی فیلمهای خاص و یا حتی سفارش تهیه فیلم، برنامه‌های خود را به گونه‌ای پخش می‌کند که مخاطبان مختلف ایرانی بتوانند از پخش این برنامه‌ها استفاده کنند. برخی از برنامه‌های یاد شده چهار نوبت در شبانه روز پخش می‌شوند تا مخاطب دارای هر شغلی که باشد، بتواند از آن استفاده کند. در برخی از برنامه‌های ماهواره‌ای، مطالب تحریک کننده جنسی، زیرنویس شده و به حدی تکرار می‌شوند که بر مخاطب اثرگذار باشند. در فیلمهای گفته شده قبح شکنی گسترده‌ای در زمینه‌های روابط نامشروع، عادی جلوه دادن روابط جنسهای مخالف و مصرف مشروبات الکلی ترویج می‌شود.

تأمل در اهداف و محتوای رسانه‌های فارسی آمریکایی و سایر کشورهای غربی، آشکار می‌سازد که آنان با بهره‌گیری از ساز و کارهای روانشناختی و جامعه‌شناختی، در پی آن هستند تا فرهنگ، روابط و نهادهای اجتماعی، احساس دلبستگی و انسجام ملی، وحدت سیاسی و مذهبی و جز آن را آماج فشار و تهدید قرار دهند و زمینه "تغییر رفتار" و "فروپاشی از درون" را فراهم سازند (ضیایی پرور، ۱۳۸۳: ۲۷۰-۲۸۵).

### ۴. اسباب بازی

یکی از کالاهای فرهنگی مؤثر که با توجه به قشر مخاطب اش اهمیتی دو چندان و وضعیت حساس دارد، اسباب بازی‌ها است. اسباب بازی‌های ساخته شرکت‌های غربی، ترویج دهنده فرهنگ غربی برای کودکان دیگر کشورها است تا از همان سنین کودکی با این فرهنگ آشنا شده و با آن انس بگیرند!!

## ۵. بازی‌های رایانه‌ای

پس از رواج استفاده از رایانه در منازل شخصی، یکی از مهمترین موارد استفاده برای کودکان و نوجوانان بازی‌های رایانه‌ای است. این بازی‌ها که نسل‌های پیشین‌شان آتاری، کمودور و پلی‌استیشن بودند، با استفاده از قابلیت‌های رایانه، توانستند خیلی زود همه رقبای سنتی خود را کنار بزنند و بازار گسترده‌ای را به خود جلب نمایند. به جهت فقر نسبی دانش گرافیک رایانه‌ای در دیگر کشورها، در زمینه بازی‌های رایانه‌ای، کشورهای غربی و آمریکا با فاصله‌ای بسیار زیاد پیشگام‌اند. سود سرشار اقتصادی که سالانه از محل فروش این بازی‌ها عاید کمپانی بزرگ سازنده آن‌ها می‌شود، سبب شده است که بازی‌های رایانه‌ای یکی از مهمترین ابزارهایی باشند که قدرت‌های جهانی از آن در راستای جنگ نرم و ترویج و تبلیغ و مدل زندگی غربی نهایت استفاده را بکنند. بیشتر بازی‌های رایانه‌ای به منظور تشریح خط مشی‌ها، اهداف و مقاصد سیاسی کشورهای سازنده برای مخاطبان و همچنین برانگیختن افکار عمومی بر له یا علیه یک عملیات نظامی تولید و به صحنه بین‌المللی عرضه می‌شوند.

## ۶. موسیقی

موسیقی یکی از مقولات فرهنگی است که در جریان نبرد نرم مورد استفاده وسیع تبلیغ رسانه‌ای غرب قرار گرفته است. موسیقی در بیشتر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نمونه‌هایی دارد. در این میان موسیقی جاز سیاهان در آمریکا شکل و شمایلی نو گرفته و با سبک‌های مختلف راک اند رول، پاپ، رپ، متال و... به تدریج به صنعتی درآمدزا با سودهای هنگفت تبدیل شده است و با ظهور فن‌آوری‌های جدید، موسیقی قالب تصویر را هم پذیرا شدند و شوها و کلیپ‌ها پدید آمدند. و از آنجا که سیاستگذاران این صنایع فرهنگی، تنها به سود سرشار و فروش بالای این محصولات می‌اندیشند عناصر سکس و خشونت وارد این کلیپ‌ها و شوها شدند. این محصولات در فهرست صادرات فرهنگی دنیای غرب به ممالک دیگر قرار گرفته و گاهی مشابه سازی هم می‌شوند. از آنجایی که انتقال ارزش‌ها و مضامین فرهنگی در قالب شعر و آهنگ های موسیقی به مراتب آسان‌تر از سایر قالب هاست به همین دلیل بیشتر مورد اقبال تروریست‌های فرهنگی قرار می‌گیرد.

## ب) ابزارهای رسانه‌ای

رسانه‌ها در جنگ نرم نقش ویژه و منحصر به فردی را ایفا می‌کنند. تا آنجا که از آن به «جنگ رسانه‌ای» تعبیر می‌شود. بنیادی‌ترین تعریف جنگ رسانه‌ای استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها

اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات است. و راهبرد اصلی آنان حرکت با افکار عمومی است (رفیع و قربی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). جنگ رسانه‌ای یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های جنگ نرم و جنگ‌های جدید بین‌المللی است. جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیررسمی ادامه دارد.

#### ۱. مطبوعات

علیرغم ظهور رسانه‌های نوین و شیوه‌های آسان‌تر و کارآمدتر اطلاع‌رسانی، مطبوعات اعم از روزنامه‌ها، مجلات و ... جایگاه مهمی را در اطلاع‌رسانی و شکل‌دهی افکار عمومی ایفا می‌کنند. روزنامه‌های کثیرالانتشار بین‌المللی که محصول کمپانی‌های بزرگ خبر پراکنی‌اند و مشترکین و مخاطبان فراوانی را در سرتاسر جهان جذب کرده‌اند.

#### ۲. رادیو

رادیوها از جمله مؤثرترین و معمول‌ترین رسانه‌هایی است که دولت‌های متخاصم از سال‌ها پیش از آن‌ها برای تأثیر گذاری بر افکار عمومی کشور مقابل‌شان بهره می‌گیرند. کار ویژه رادیوها در جنگ نرم را می‌توان تهیه، تدوین و پخش اخبار و گزارش‌ها و تحلیل‌هایی علیه کشورها و دولت‌های رقیب و در راستای منافع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور متبوع خود دانست. اقدامی که با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی شهروندان کشور هدف و جلب اعتماد آن‌ها به خود و در مقابل بی‌اعتمادسازی آن‌ها به رسانه‌های داخلی و نظام سیاسی‌اش انجام می‌شود.

#### ۳. تلویزیون

از رسانه‌های پیشتاز و پرمخاطب تلویزیون‌های بین‌المللی‌اند که میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان مخاطب برنامه‌های مختلف خود قرار می‌دهند. کار ویژه تلویزیون‌ها در جنگ نرم را می‌توان تهیه و پخش برنامه‌های خبری و تحلیل و گزارش‌هایی از کشور هدف - بر خلاف روایت رسانه‌های رسمی و دولتی آن کشور - و در راستای سیاه‌نمایی اوضاع آن کشور دانست. در این راستا آنان بخش ویژه‌ای از توان خود را به پوشش‌دهی اقدامات و فعالیت‌های تخریبی اپوزیسیون آن کشور اختصاص می‌دهند.

#### ۴. خبرگزاری‌ها و آژانس‌های خبری

خبرگزاری‌های بین‌المللی یکی از عمده‌ترین ابزارهای جنگ رسانه‌ای در جهان محسوب می‌شوند. این خبرگزاری‌ها هر روزه باتولید میلیون‌ها کلمه خبر و مخابره آن با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های ارتباطی، فرآیند اطلاع‌رسانی جهانی را تحت سیطره و کنترل خود دارند. آن‌ها می‌توانند با سانسور یک خبر یا دادن پوشش وسیع به یک رویداد، افکار عمومی جهان را له یا علیه آن مسأله برانگیزانند. اهمیت خبرگزاری‌ها زمانی آشکار می‌شوند که بدانیم اکثر مطبوعات، خبرگزاری‌های

ملی و منطقه‌ای و شبکه‌های رادیو تلویزیونی، اخبار و اطلاعات عمده خود را از این آژانس‌های خبری دریافت می‌کنند. هم اکنون چهار خبرگزاری مسلط بین‌المللی، شبکه‌های تلویزیونی و خبری بی.بی.سی و سی.ان.ان، تأسیسات ماهوارهای که وظیفه ارسال امواج صدها شبکه ماهواره‌ای را بر عهده دارند، به همراه هزاران روزنامه و پایگاه خبری و تبلیغاتی از جمله این تأسیسات هستند که همگی ارزش‌های مشترک غربی را منتشر و تلاش می‌کنند ارزش‌های مقاوم در برابر خود را درهم بکوبند (امیری، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۲۴).

### ج) فناوری‌های نوین ارتباطی

#### ۱. اینترنت

بی‌گمان مهم‌ترین و موثرترین اتفاقی که در عرصه رسانه‌ها افتاده است ظهور اینترنت می‌باشد. قابلیت‌هایی بی‌نظیری که اینترنت با خود به ارمغان آورده سبب شده این پدیده به مهمترین و موثرترین ابزار جنگ نرم بدل شود.

#### ۲. سایت‌های خبری و خبرگزاری‌های اینترنتی

اینترنت زمینه‌ساز ظهور و رواج طیف وسیعی از خبرگزاری‌های مجازی شده است. فعالیت در فضای مجازی به مراتب آسان‌تر و کم هزینه‌تر است و امکان پنهان کردن هویت واقعی هم فراهم است. این رسانه‌ها خط قرمزهای کمتری را در برابر خود می‌بینند

#### ۳. رسانه‌های اجتماعی

به گروهی از رسانه‌هایی که در فضای اینترنتی متولد شده‌اند عنوان رسانه‌های اجتماعی داده شده است. هر کاربر اینترنتی به راحتی می‌تواند مطالب تولیدی خود را در فضای مجازی منتشر کند. رسانه‌های اجتماعی را می‌توان در گروه‌های مختلف دسته‌بندی کرد؛ شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، ویکی‌ها، پادکست‌ها، فروم‌ها، کامیونیتی‌های محتوایی و میکروبلگ‌ها برخی از رسانه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند (مدیریت مطالعات سیاسی، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵). شبکه‌های جدید اجتماعی و رسانه‌های جدید اجتماعی یوتیوب، فیس‌بوک و ده‌ها شبکه دیگر، ابزار تروریسم فرهنگی محسوب می‌شوند. این شبکه‌ها، زمینه برگزاری مهمانی‌های شبانه دختران و پسران را فراهم می‌کنند. اگر با نگاهی شبکه‌ای به برنامه‌ها و اقدام‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی توجه شود، در آن صورت می‌توان به عرفان‌های کاذب و دروغین نیز اشاره کرد. یکی از کارکردهای مخفی این عرفان‌ها، لذت بردن جنسی است. به علاوه ورود سازمان یافته مواد الکلی و مشروبات را نیز باید به این موارد افزود. قرص‌ها و مواد شادی افزا نیز در این بسته ضد فرهنگی جای دارند.

#### ۶. اهداف تروریسم فرهنگی دشمن در ایران

عمده‌ی اهداف تروریسم فرهنگی، از میان بردن یا تضعیف فرهنگ بومی و سپس جایگزینی آن با فرهنگ وارداتی مورد نظر است. به عبارتی دیگر تروریسم فرهنگی عبارت است از سلب هویت فرهنگی، پوچ و تهی کردن تفکر، ذهنیت، فرهنگ و تمدن ملی و اصیل یک جامعه و تضعیف شخصیت انسانی افراد آن با تحمیل ترس و هراس دائمی و القای اصول فکری و تحمیل فرهنگ کشور مهاجم به جای آن، که این جز با از دست دادن «خویشتن» و از دست دادن پایه های فکری و اخلاقی اصیل و ملی صورت نمی‌گیرد. از طرف دیگر در این نوع تروریسم، تروریست‌ها اغلب خصوصیات خوب و پسندیده خود را به سایر کشورها و ملتها صادر نمی‌کنند، بلکه به صدور ویژگی‌هایی می‌پردازند که با ایجاد غفلت در آنها از طریق دور شدن از فرهنگ ملی و بومی، زمینه غارت و چپاول منابع این کشورها را فراهم آورند. تاریخ ایران خود گواه این مدعاست. هنگامی که غربی‌ها تهاجم فرهنگی را به کشورهای اسلامی آغاز کردند، صفات و روحیات پسندیده خود را همچون نظم، پژوهش و کنجکاوی در مسائل علمی و ... را وارد نکردند، بلکه تنها بی‌بندوباری اخلاقی و فساد را وارد این کشورها کردند تا از طریق آن به چپاول و غارت منابع فراوان بپردازند. به طور کلی می‌توان گفت دشمن با این نوع تروریسم سعی می‌کند با تأثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های یک ملت، اندیشه و الگوی اداره کشور که هویت دهنده نظام سیاسی است به چالش کشیده شود.

اما در عصر حاضر مهمترین اهداف تروریست‌های فرهنگی در ایران عبارتند از:

#### ۱. سست کردن همت و تشکیک پایه‌های فکری و اعتقادی جوانان

مهمترین و اصلی‌ترین هدف استراتژی فرهنگی دشمن را باید ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها و اعتقادات جامعه هدف دانست. اعتقادات و باورها، اساس حرکت یک جامعه به شمار می‌آیند. هر انسانی بر اساس باورها و اعتقادات خود به زندگی‌اش جهت می‌دهد. بنابراین اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه اختلال یا تغییری ایجاد کنند، باید به سراغ تغییر باورها و اعتقادات آنان بروند. بنابراین در جنگ نرم اساسی‌ترین هدف، ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات است. این امر در مورد قشر جوان که آینده کشور نیز در دستان آنها می‌باشد از اهمیت بسزایی برخوردار است. نسل جوان هر جامعه عامل تداوم آن جامعه خواهد بود و به هر دلیلی این نسل نخواهد یا نتواند ارزش‌های حاکم بر آن جامعه را پذیرا باشد آن جامعه دچار انحطاط خواهد شد. اگر جوانان نسبت به ارزش‌های اجتماعی خویش بی‌تفاوت و در یادگیری و به کارگیری آن بی‌میل باشند این ارزشها از بین رفته و ارزشهای دیگری جای آنها را خواهد گرفت. چنانچه دشمنان یک ملت، با جنگ نرم بتوانند در باورها و اعتقادات یک ملتی - مخصوصاً جوانان - رسوخ کرده و با ایجاد شک و تردید، آن باورها و اعتقادات را مخدوش و متزلزل نمایند، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای هدف بعدی، یعنی ایجاد تغییر در چگونگی فکر کردن و اندیشیدن در حوزه‌های گوناگون فراهم می‌شود. بنابراین هدف عمده دیگر در جنگ نرم، ایجاد تغییر در افکار جامعه است.



رفتارهای یک جامعه، مبتنی بر اعتقادات، باورها و چگونگی فکر کردن و اندیشیدن افراد آن جامعه می‌باشد. با تغییرات اساسی در این مبانی، مدل‌های رفتاری در حوزه‌های گوناگون تغییر می‌کند. در واقع مدل‌های رفتاری در هر جامعه‌ای، بر اساس نوع باورها و اعتقادات و چگونگی فکر و اندیشه در آن جامعه شکل می‌گیرد. بدیهی است که با تغییر هر نوع باور و اندیشه‌ای، مدل‌های رفتاری جدید بر اساس باورها و افکار جدید جایگزین مدل‌های قبلی می‌گردد.

یکی از شیوه‌ها و اقدامات تروریسم فرهنگی در ایران، حمله مستمر به مبانی ارزشی و پایه‌های اعتقادی با حربه تحریف حقایق است. از آنجایی که جوانان اصلی‌ترین گروه هدف این نوع تروریسم هستند، هدف دشمنان نیز تغییر پلکانی هویت دینی و انقلابی نسل‌های بعدی انقلاب بود، و موثرترین ابزارها در این پروژه ترویج فساد و فحشا و بی بند و باری اخلاقی، در بین جوانان و تشکیک در مبانی فکری و باورهای اعتقادی آنها بود که در واقع پایه و زیربنای رفتار فردی و اجتماعی مردم را شکل می‌دهد. دشمنان پس از بی تفاوت سازی نسل جوان اقدام به ترویج و تبلیغ هنجارهای اجتماعی خود در بین آنها می‌کنند. یکی دیگر از شگردهای دشمن در راستای سست کردن همت و پایه‌های فکری جوانان را تزریق و القاء احساس عقب ماندگی و ناتوانی به آنان می‌باشد. به همین دلیل است که دشمنان بیشترین سرمایه گذاری را برای مرعوب کردن، سست کردن و به طور کلی تحت تأثیر قرار دادن جوانان به کار می‌گیرند.

## ۲. القاء و ترویج سکولاریسم

یکی از اهداف اصلی تروریسم فرهنگی دشمن حذف دین و اعتقادات مذهبی از عرصه حیات سیاسی و اجتماعی کشور است و به صراحت بیان می‌کنند که دین کارآمدی و صلاحیت لازم را برای اداره امور اجتماع نداشته و حق دخالت در حکومت و سیاست را ندارد. عمل به این توصیه دشمن برای حذف دین از عرصه زندگی، باعث خواهد شد که عملاً چیزی از جمهوری اسلامی باقی نماند. در واقع غریبه‌ها و در راس آنها آمریکا به خوبی هسته‌ی اصلی انقلاب اسلامی را که دین مبین اسلام و اعتقادات مذهبی است؛ شناسایی کرده‌اند و بدیهی است سختترین و سنگین‌ترین هجمه فرهنگی خود را در این عرصه متمرکز کنند. به همین منظور آنها با حمایت علمی، حقوقی و مالی از روشنفکران سکولار و دانشگاهی وابسته به گروه‌های منحرف و مهاجم به عنوان اندیشمندان فرهنگی همگرا با غرب در تقویت جریان سکولار تلاش می‌کند. به طور کلی ترویج اندیشه‌های تسامح و تساهل و تغییر سبک زندگی، زمینه مساعدی را برای ظهور و گسترش اندیشه‌های لیبرالیستی و سکولاریستی را فراهم می‌کند.

## ۳. رویگردانی ملت و دولت از اهداف انقلابی

یکی از اهداف تروریسم فرهنگی، سلب اراده و انگیزه از مردم و بی تفاوت نمودن جمعیت‌های همراه و تبدیل آنها به جمعیت‌های معارض، مخالف و بی تفاوت و شکل دادن به نافرمانی‌های مدنی با ایجاد شکاف بین دو سطح راهبردی و میانی است. دشمنان انقلاب اسلامی در طول تاریخ این نظام مقدس همواره سعی داشته‌اند که این چنین وانمود کنند که مردم و حتی مسئولین انقلاب از اهداف اصیل انقلابی رویگردان و منصرف شده‌اند و برای رسیدن به این مقصود خود

به انواع و اقسام جنگ‌های روانی و تبلیغاتی متوسل شده‌اند. دشمنان سعی دارند که این گونه القاء کنند که نسل سوم از آرمان‌ها و اهداف انقلاب فاصله گرفته است. اما باید گفت که این مسئله به طور قطع و یقین یک واقعیت نیست، بلکه یک توهم است، زیرا انقلاب در نسلی زمانی است که هنجارها و ارزشهای قدیمی از بین بروند و ارزشهای جدید هم وجود نداشته باشند. آنگاه جامعه دچار انقلاب می‌شود. این امر تاکنون در جمهوری اسلامی اتفاق نیفتاده است.

#### ۴. خارج کردن دین از سبک زندگی ایرانیان

تروریسم فرهنگی، تروریسمی است که درصدد است که مردم را از فرهنگ و تمدن خود بیگانه سازد و آنان را به اتخاذ سبک زندگی جوامع قدرتهای بزرگ وادار سازد. یکی از اهداف مهم دشمن در این نوع تروریسم، تهی نمودن سبک زندگی مردم از معنویات است. تغییر در سبک زندگی به معنای دگرگونی تمامی زوایای زندگی می‌باشد و مصارف فرهنگی از تولیدات داخلی به تولیدات خارجی و غربی معطوف می‌شود. از آنجایی که سبک زندگی اسلامی به عنوان یک سبک زندگی دینی پتانسیل ایجاد کننده‌ی یک الگوی مستحکم که بر ارزشهای معنوی و الهی استوار است، را داراست و می‌تواند سد محکمی در مقابل الگوهای غربی که سردمداران آن، داعیه جهانی شدن آن ارزشهای مادی و بی بند و بار را دارند، باشد. بنابراین آنها به طور جدی در صدد آن هستند ضمن مقابله و مبارزه با چنین سبک زندگی ای، الگوها و ارزشهای خود را به دیگر جوامع بقبولانند. به همین منظور آنها برای رسیدن به اهداف خود سعی در ترویج ابتذال و فساد اخلاقی در کشور و همچنین تخریب بنیانهای فکری و اعتقادی جامعه دارند. دشمن در جهت خارج کردن دین از سبک زندگی ابتدا سعی می‌کند با اشاعه بی بند و باری و هجسه به ارزشهای دینی و خانوادگی، ترویج مذاهب خود ساخته، پایه‌های اعتقادی و ایمانی مردم را متزلزل سازد و از طرف دیگر سبک زندگی لیبرالی غربی را ترویج می‌کند. الکساندر پرخانف از رهبران شوروی سابق در این باره می‌گوید: «غرب برای دستیابی به اهداف خود در شوروی، نیازمند تغییر عقاید و باورهای مردم بود. لازم نبود شوروی را با راکت و بمب اتمی به فروپاشی برسانند، بلکه با تغییراتی که توسط رسانه های گروهی در عقاید و باورهای فرهنگی - سبک زندگی - مردم به وجود آورند به این مهم نائل شدند(سراج، ۱۳۸۷: ۱۷۶).

#### ۵. براندازی فرهنگی و سیاسی

هدف نهایی در تروریسم فرهنگی علیه یک ملت، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی آن جامعه و جایگزین کردن ساختارهای جدید می‌باشد. اهداف ذکر شده در یک فرآیند و به صورت خطی دنبال می‌گردد. با ایجاد تغییر در باورها، افکار و رفتارهای یک جامعه، به صورت طبیعی مدل رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی موجود، تغییر پیدا کرده و مدل‌های چالشی جایگزین آن می‌شود. تروریسم فرهنگی، به دنبال از پای در آوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه های فکری و فرهنگی آن را سست کرده و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی - اجتماعی حاکم تزلزل و بی ثباتی تزریق کند (انصاری، ۱۳۸۶: ۵۰) جین شارپ - نظریه پرداز براندازی نرم و طراح روش های ۱۹۸ گانه

نا فرمانی مدنی - هدف تهاجم فرهنگی را تغییر دولت های نا مطلوب از نظر غرب و فروپاشیدن حکومت ها و کسب قدرت سیاسی می داند که ربطی به دموکراسی و حقوق بشر و صلح طلبی نیز ندارد (ماه پیشانیان، ۱۳۸۶: ۶۴).

بنابراین اصلی ترین هدف تروریسم فرهنگی دشمن، براندازی فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، از طریق دگرگونی در ساختارهای فرهنگی و سیاسی جامعه و جایگزین سازی ساختارهای جدید غربی است و در این راه نیز از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد. در واقع آخرین و بنیادی ترین نتیجه تروریسم فرهنگی، فروپاشی و ساقط کردن نظام اسلامی است که به صراحت توسط سیاستمداران غرب بارها بر آن تأکید شده است.



## نتیجه گیری

استکبار جهانی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های مختلف، درصدد براندازی و تغییر حاکمیت نظام اسلامی بوده است. پروژه تروریسم فرهنگی از جمله اقداماتی است که در چند سال گذشته در دستور کار دولت‌های خارجی به ویژه آمریکا قرار گرفته است. تروریسم فرهنگی روشی برای تحمیل اراده و تأمین منافع است که با غلبه بر طرف مقابل، بدون استفاده از قدرت نظامی و روش‌های خشونت آمیز اعمال می‌شود. ابزار اصلی این نوع ترور، قدرت نرم به ویژه، قدرت اقناع‌گری و همراه سازی است که عمدتاً با بهره‌گیری از ابزار ارتباطی و رسانه و دانش روانشناختی تلاش می‌شود، در هویت‌های فکری و فرهنگی تردید ایجاد شود. حوزه عمل این جنگ افکار، اعتقادات، باورها، ارزشها، علایق و گرایش‌های جامعه هدف است که مهاجم برای اشغال آن برنامه ریزی می‌کند و در نهایت با تصرف اذهان و قلوب مردمان کشور هدف، تغییر در ساختارها پدید می‌آید. به عبارتی در تروریسم فرهنگی، دشمن با ایجاد تردید در مبانی و ارزش‌های اساسی یک نظام سیاسی، الگو و مدل یک نظام را در عرصه‌های مختلف اجتماعی ناکارآمد می‌سازد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تکیه مبانی انقلاب بر ارزش‌های اصیل دینی و فرهنگی دشمن را به این نتیجه رساند که مهمترین شیوه برای مقابله با این انقلاب حمله به مبانی دینی و ارزشی و بی‌اعتبار ساختن آنها از یک طرف و جایگزینی آن با ارزش‌ها فرهنگی غرب است که از طریق بتواند به هدف اصلی خود که سلطه بر تمام ملل دیگر است. جامعه‌ی عمل بپوشاند. بر اساس نظم نوین جهانی، استراتژی فرهنگی غرب به ویژه آمریکا در قالب تهاجم فرهنگی علیه سایر فرهنگ‌ها در حال انجام است و این امر با گسترش تکنولوژی ارتباطات، شدت، سرعت و پیچیدگی بیشتری پیدا کرده است. آمریکا که داعیه‌ی سرپرستی جهان را در سر می‌پروراند و خواستار نظامی تک‌قطبی است، هیچ فرهنگ رقیبی را که مخالف این سیاست باشد، تحمل نخواهد کرد. قطعاً فرهنگ ایرانی - اسلامی از این قاعده مستثنا نخواهد بود و در رأس کشورهای اسلامی، ایران به واسطه‌ی انقلاب اسلامی و مخالفت علنی آن با قدرت طلبی آمریکا و قدرت بالایی که در تأثیرگذاری بر منطقه و جهان دارد، مورد هجوم بیشتری قرار گرفته است.

به طور کلی می‌توان گفت هدف نهایی دشمن در تروریسم فرهنگی، مهار و فروپاشی یک نظام سیاسی است. لیکن ابزار و روش‌های این براندازی متفاوت است. اگر در جنگ سخت با اشغال سرزمین، براندازی یک نظام سیاسی محقق می‌شود و سیستم دفاعی و امنیتی یک کشور فرو می‌ریزد، در جنگ نرم یا همان تروریسم فرهنگی تلاش می‌شود با تأثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های یک ملت، اندیشه و الگوی اداره کشور که هویت دهنده نظام سیاسی است به چالش کشیده شود.

## منابع و مأخذ:

### منابع فارسی

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۱)، *تعریفها و مفهوم فرهنگ*، تهران: آگه
۲. اسماعیلی، علی محمد (۱۳۸۹)، *جنگ نرم در همین نزدیکی*، تهران: نشرساقی.
۳. افتخاری، اصغر و علی اکبر کمالی (۱۳۷۷)، *رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی*، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات.
۴. حراری، ابراهیم (۱۳۸۳)، *نقش رسانه ها در کنترل جامعه، فصلنامه پژوهش و سنجش*، شماره ۳۷، بهار.
۵. امیری، ابوالفضل (۱۳۸۹)، *تهدید نرم، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی*؛ تهران: پگاه.
۶. انصاری، محمد مهدی (۱۳۸۶)؛ *جنگ نرم آمریکا علیه ایران*، تهران: پایگاه اینترنتی نشریات ایران.
۷. باکر، کریس (۱۳۸۷)، *مطالعه فرهنگی؛ نظریه و عملکرد*، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۸. برمن، ادوارد (۱۳۶۶)، *کنترل فرهنگ*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشرنی.
۹. پانوف، میشل (۱۳۶۸)، *فرهنگ مردم شناسی*، ترجمه‌ی علی اصغر عسکری خانقاه، چاپ اول، تهران: انتشارات ویس .
۱۰. پور احمدی، حسین (۱۳۸۹)، *قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*؛ قم: بوستان کتاب.
۱۱. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰)، *بررسی مفهوم شناختی تروریسم فرهنگی*، مجموعه مقاله های کنفرانس بین المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه. تهران: مجمع جهانی صلح اسلامی.
۱۲. رفیع، حسین و سید محمدجواد قربی (۱۳۸۸)، *اپیستمولوژی چهره ژانوسی قدرت نرم و ماهیت پارادایمی آن در عصر مدرن*، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل، سال دوم، ش ۸-۹، پاییز و زمستان.
۱۳. ریاحی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *ایران و آمریکا، توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه؛ تهران*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۴. سراج، رضا (۱۳۸۷)، *جنگ در پناه صلح، بررسی فرایندهای نوین براندازی در ایران*، جد ۶، قم: تنسیم اندیشه
۱۵. ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۷)، *جنگ نرم، ویژه جنگ رسانه ای؛ جلد ۲*، تهران: ابرار معاصر.
۱۶. لیتزینگر، آنتونی (۱۳۸۳)، *تروریسم پسامدرن*، مترجم: حامد شهبازی، تهران.
۱۷. فوکو، میشل (۱۳۷۷)، *ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟* ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران: هرمس.

۱۸. ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۶)، راهکارهای امریکا برای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی عملیات روانی، سال پنجم ش ۱۸.
۱۹. مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۸)، معناکاوی تهاجم فرهنگی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، مجله نقد کتاب.
۲۰. محمدی، مجید (۱۳۷۷)، درآمدی بر جامعه شناسی و اقتصاد فرهنگ در ایران امروز، تهران: نشر قطره.
۲۱. مدیریت مطالعات سیاسی (۱۳۸۹)، جنگ نرم، تهران: معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
۲۲. نائینی، علی محمد (۱۳۸۷)؛ نگرش راهبردی به پدیده جهانی شدن فرهنگ و پیامدهای آن؛ فصلنامه سیاسی راهبردی، سال اول، شماره یک.
۲۳. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، جهانی شدن فرهنگ و تهدید امنیت ملی، در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل: تهران: نشر ساقی.

منابع انگلیسی:

1. Joseph S.Nye, Soft Power (2004), **the Means to Success in World Poliics**, New York: Public Affairs.
2. Hardet, Michael and Antonio Negri(2000), **Preface Of Empire**, MA: Harvard Univercity Press

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی